

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کره در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۸۰۲ سه‌شنبه ۱۵ تیر ۱۴۰۰، ۶ جولای ۲۰۲۱

• یازدهمین دوره سیاسی سطح دو بخش اول دستگاه آموزش پایان یافت

• در مراسمی از کادر درمانی «کویه» تقدیر شد

• دانشجویان کورد، آذری و فارس علیه رژیم ایران متحد هستند

• مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران با صدور بیانیه‌ای پشتیبانی کامل خود را از مطالبات برحق، کارگران معترض اعلام نمود

www.kurdistanmedia.com



تو خود گوی و خود
خندی،
عجب مرد هنرمندی!

۷



اتحاد و همبستگی
راهکاری اساسی برای
رهایی از ظلم و استبداد

۶



ناصر عزیز:
هیچ احدالناسی از عموم
مردم در انتخابات شرکت
نکرده است

۵



چه اتفاقاتی خواهد افتاد
اگر
ایران به سلاح هسته‌ای
دست یابد؟

۴

زنان در خط مقدم مبارزه

سخن

انقلاب زنان

کریم پرویزی

چند دهه‌ای است که در کوردستان نیز صحبت از برابری حق زن و مرد مطرح است. پیشوا قاضی محمد در زمان جمهوری کوردستان با اقدام شجاعانه و مترقیانه خود، مبحث حقوق زنان را مطرح و عملاً نیز برای تأمین آن در زمینه سیاسی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی اقدام و از آن روز به بعد این مسئله وارد گفتمان سیاسی کوردستان شد. مسئله حقوق زنان در سطح جهانی نیز به یکی دو قرن اخیر بر می‌گردد، در اواخر قرن نوزدهم و اوایل بیستم بود که به عنوان گفتمان مطرح شده و بعدها در ادبیات سیاسی جامعه جهانی جای گرفت.

البته به این موضوع کاملاً واقفیم که میان صحبت و گفتمان تا مرحله اجرا و عمل و همچنین تبدیل به هنجار اجتماعی و سیاسی شدن، به گسترده‌ی اقیانوسی فاصله می‌باشد و خیلی وقت‌ها ده‌ها سال بگذرد و گفتاری به هنجار تبدیل نشود.

زن وقتی خواهد توانست که به همه حقوق سیاسی و اجتماعی‌های خود همچون مردها به صورت برابر برسد که خود عملاً در میدان مبارزه برای آزادی حضور داشته و عملاً در تنظیم قانون و مفاد آن سهیم بوده و تثبیت کند که زن و مرد باید همچون انسان نگریده شده و در نتیجه برخورداریشان از مزایا برابر باشد.

در جریان مبارزه کوردستان زنان کم و بیش در صفوف انقلابیون حضور داشته و در دسته‌های پیشمرگان و در نیروی پیشمرگ کوردستان، زنان و دختران کورد در سخت‌ترین مراحل دوشا دوش با مردان حضور داشته‌اند. این موضوعی است که به چندین دهه برمی‌گردد و زنان کورد در صفوف



حزب دموکرات دریافت کردند. در ادامه شعری از سوی شرکت کننده دوره "مریم یوسفی" تحت عنوان "زادگاه و نیستان" به لهجه هورامی تقدیم حضار شد. در بخش پایانی مراسم کسانی که در دوره موفق به کسب مقام اول تا سوم در بخش سیاسی — نظامی و نظم و دیسپلین شده بودند، جوایزی دریافت کردند. در بخش سیاسی — نظامی "آسرین بایزیدی، سوما حمزینیا و عایشه رسول آبادی" تشویق شده و جوایز خود را از "صدیق درویشی" معاون مسئول دستگاه فرماندهی نیروی پیشمرگه کوردستان دریافت کردند.

در بخش نظم و دیسپلین نیز "مریم یوسفی، مرضیه رضائی و اوین قادر زاده" تشویق و جوایز خود را از "هیوا میرزایی" سرپرست دستگاه آموزش و تحقیقات حزب دمکرات دریافت کردند.

پیر" به مراسم رسیده بود که از سوی "ناسکه حسن زاده" تقدیم حضار شد. در ادامه مراسم تعدادی از آن دست از مدرسان آموزشگاه دستگاه فرماندهی که دروس سیاسی را در آموزشگاه تدریس کرده‌اند از سوی "حسن شرفی" مسئول شورای سیاستگذاری حزب دمکرات لوح تقدیر دریافت کردند. کسانی که موفق به کسب لوح تقدیر شدند عبارتند از: "هیوا میرزایی، شهاب خالدی، فواد خاکی بیگی، مختار سهرابی، حمدی حسینی و محمد صاحبی". "عبید مرادی، هیمن رسول‌آبادی، بداغ بداغی، فریاد درودی، سرور معروفی، شورش نظری و خلیل میلان دودکانلو" نیز موفق به کسب لوح تقدیر در بخش نظامی شدند و لوح خود را از "البرز روئین تن" عضو شورای سیاست گذاری

دستگاه فرماندهی نیروی پیشمرگه کوردستان که راجع بود به چگونگی تأسیس آموزشگاه سیاسی — نظامی حزب دمکرات کوردستان بود، از سوی "مختار سهرابی" مسئول آموزشگاه قرائت در این مراسم شعری تحت عنوان "تالا" از سوی شرکت کننده دوره "اوین قادر زاده" تقدیم حضار شد. در ادامه گزارش چگونگی برگزاری دوره از سوی "عبید مرادی" یکی از مدرسان آموزشگاه دستگاه فرماندهی نیروی پیشمرگ کوردستان قرائت شد. بعد از قرائت گزارش، گروه هنری نیروی پیشمرگه کوردستان آهنگی کوردی تقدیم کردند. پیام دوره مقدماتی نیز توسط "سیما شریفی" شرکت کننده دوره قرائت شد. شعری نیز که توسط مبارزی از کوردستان ایران به نام "چریکی

زنان در جنبش رهایی بخش ملت کورد پرداختند. "بهرامی" در ادامه گفته‌های خود یادی کردند از اساتید شهید آموزشگاه دستگاه فرماندهی نیروی پیشمرگه کوردستان، شهیدان "سلام عزیزی، سروان چکو، علی امینی، غفور مهدی زاده، سرکوت صمدی، مختار قادر پور و فاروق حسن خیاط". مسئول دستگاه فرماندهی نیروی پیشمرگه کوردستان همچنین بخشی داشتند در مورد چگونگی انتصاب "ابراهیم رئیسی" به عنوان رئیس جمهور رژیم و نقش او در کشتار معترضان و مخالفان رژیم. در ادامه مراسم سودی تحت عنوان "نم همه می پیشمه‌رگه‌ینه" از سوی شرکت کنندگان دوره با همکاری گروه هنری نیروی پیشمرگه کوردستان اجرا شد. بعد از اجرای سرود پیام آموزشگاه

روز سه‌شنبه مورخ ۱۵ تیر ۱۴۰۰، طی مراسمی با عنوان "دوره ویژه" دوره مقدماتی نیروی پیشمرگ کوردستان به اتمام رسید. این مراسم با سان نظامی برای استقبال از مسئولان سیاسی و نظامی و سرود ملی "ئه‌ی ره‌قیب" و چند لحظه سکوت به پاس احترام به خون شهیدان کوردستان آغاز شد. مراسم با سوگند میهنی شرکت کنندگان و همچنین انجام چندین رژه نظامی نیروی پیشمرگه کوردستان ادامه یافت. بخش دوم مراسم با چند لحظه سکوت به احترام خون شهیدان کورد و کوردستان در سالن مراسمات حزب دمکرات ادامه یافت. در این مراسم "کاوه بهرامی"، مسئول دستگاه فرماندهی نیروی پیشمرگه کوردستان به مناسبت اتمام دوره مقدماتی ۲۵۰ پیشمرگه کوردستان طی سخنانی به نقش

یازدهمین دوره سیاسی سطح دو بخش اول دستگاه آموزش پایان یافت

دمکرات می‌باشد و بیشترین اهمیت را به این مسئله داده چرا که حزب دمکرات معتقد است: عضو آگاه و هوشیار می‌تواند عاملی برای پیشبرد اهداف و نهایتاً موفقیت حزب دمکرات باشد.

بعد از اعلام «راسانی روزه‌لآت» حزب دمکرات درصدد بوده که بیشتر به نیروی موثر مبدل گردد و در همین راستا نیز مسئله آموزش نیروهای خود را در اولویت قرار داده است.

اجتماعی و راسان» برای شرکت کنندگان تدریس شده است. نام کسانی موفق به کسب رتبه اول تا سوم دوره شدند به شرح زیر می‌باشد:

مقام اول	سیمین روحانی زاده
مقام اول	سعید زارعی
مقام دوم	مانشت حیدری
مقام سوم	امیر پیامنی

مسئله آموزش و پرورش یکی از موضوعات جدی برای حزب

یازدهمین دوره سیاسی سطح دو بخش اول ویژه پیشمهرگان مورخ ۴ خرداد ۱۴۰۰ شروع و در تاریخ ۹ تیر ۱۴۰۰ پایان یافت.

در این دوره دروس: «اساسنامه حزب دمکرات، تاریخ حزب، سوسیالیسم دمکراتیک، فدرالیسم، دمکراسی، مسئله برابری حقوق زن و مرد، ساختار و سیاست‌های رژیم ایران، فن سخنرانی، سیاست و مواضع حزب، متون و ادبیات کوردی، کار سازمانی و گروهی، شبکه‌های



در مراسمی از کادر درمانی «کۆیه» تقدیر شد



در ساختمان مرکزی جوانان شهر «کۆیه» با حمایت تشکلهای مدنی سازمانهای دمکراتیک «اتحادیه میهنی کوردستان (PUK)»، همکاری سندیکاهای کارمندی سلامتی دفتر مدیر کل سلامت «کۆیه» و با حضور هیات روابط عمومی حزب دمکرات و کادر درمانی بیمارستان آزادی ۲ حزب دمکرات مراسمی به منظور تقدیر از کادر درمانی و تمامی کسانی که با شیوع بیماری کرونا داوطلبانه درخدمت مرکز درمانی بودند، برگزار شد.

این مراسم با چند لحظه سکوت به پاس فداکاری شهیدان کوردستان آغاز شد.

سپس «ته‌بوژند سالح» مدیر ناحیه ۱۴ شهر کۆیه، «فامی بورهان» مدیر بورد نهادهای مدنی دمکراتیک و دکتر «شیروان جهلال» مسئول سندیکای پرسنل پزشکی و جانشین مدیر سلامت شهر کۆیه، هرکدام به نوبه خود از تمامی کادر درمانی و بیش از ۲۰۰ نفر داوطلب شهر کۆیه از

در پایان مراسم برای اهدای لوح تقدیرها از «ناصر سالحی ته‌سل» مسئول روابط حزب دمکرات در کۆیه دعوت شد تا در اهدای لوح تقدیر شرکت کند.

مراکز درمانی و همچنین نماینده پزشکان حزب دمکرات دکتر «فاژل ره‌زایی» مسئول بیمارستان حزب دمکرات کوردستان ایران اهدا شد.

بهتری داشته و کمترین آمار مبتلا و مرگ را به خود اختصاص داده است. در این مراسم لوح تقدیرهایی به نشانه احترام به تمام مسئولین

دست بیاورند تقدیر و تشکر کردند. دکتر «شیروان جهلال» در ادامه گفت، شهر کۆیه نسبت به شهرهای دیگر اقلیم کوردستان در مقابله با ویروس کرونا وضعیت

جمله پیشمرگه‌های حزب دمکرات کوردستان ایران که در این مدت با همکاری با یکدیگر توانستند بزرگ‌ترین موفقیت را در مقابله با بیماری کرونا برای شهر کۆیه به

دانشجویان کورد، آذری و فارس علیه رژیم ایران متحد هستند

قدردانی کردند. مورخ ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۰، نیروهای رژیم ایران در سه راهی «بورهان» که ما بین روستاهای «به‌رده‌میش، زگدراو و قه‌ره‌بلاغ» واقع شده کمین کرده و پیشمرگان کوردستان را مورد هدف گلوله قرار داده و پیشمرگان نیز قهرمانانه از خود دفاع و کمین را می‌شکنند. در این درگیری پیشمرگه شاخ «انور نصیری چپانه» معروف به «سمکۆ مه‌حمل» و پیشمرگه شار «سهراب خدیری‌پور» معروف به «شاخه‌وان» از اهالی شهر «مه‌باباد» شهید شدند.

روز جمعه یازدهم تیرماه شماری از دانشجویان کورد، آذری و فارس به منظور اتحاد و همبستگی علیه رژیم ایران از محل شهادت «سمکۆ مه‌حمل و سهراب خدیری‌پور» دو پیشمرگه کوردستان دیدار کردند.

در این دیدار دانشجویان کورد در مورد چگونگی شهادت این دو پیشمرگه کوردستان برای دانشجویان آذری و فارس سخن گفتند.

دانشجویان آذری و فارس ضمن همدردی با خانواده شهیدان «سمکۆ و سهراب» از مبارزه این دو پیشمرگه کوردستان که جان پاک خود را فدای آزادی کرده‌اند



مرکز همکاری احزاب کردستان ایران با صدور بیانیه‌ای پشتیبانی کامل خود را از مطالبات برحق، کارگران معترض اعلام نمود



در باب کنوانسیونها و معاهدات مربوط به کار و حقوق کارگران نمایند.

پیروز باد مبارزات کارگران حق طلب ایران و کردستان مرکز همکاری احزاب کردستان ایران
۷ تیرماه ۱۴۰۰ خورشیدی
۲۸ ژوئن ۲۰۲۱ میلادی

کند. در همین رابطه، جامعه‌ی بین المللی به‌ویژه در برهه‌ی کنونی که سرگرم مذاکره با رژیم در باب توافق برجام هستند، نباید روند سرکوبها و نقض حقوق مردم از سوی رژیم در داخل کشور را نادیده بگیرند و بایستی با اعمال فشار بر رژیم، آن را ناگزیر به پایبندی و رعایت تعهدات خود

پاسخ دهد. همچنین از سایر اقشار و طبقات مردم، جریانات سیاسی ترقیخواه و مجامع و محافل بین المللی می‌خواهیم که پشتیبان مبارزات و خواستهای برحق کارگران ایران باشند و اجازه ندهند که رژیم سرکش و متمدن جمهوری اسلامی از سکوت و انفعال آنان برای سرکوب کارگران سوء استفاده

صرفا خواستهایی صنفی می‌باشد که تأمین آنها بخشی از حقوق اولیه‌ی انسانی است. در همین رابطه، کارگران اعلام نموده‌اند که در صورت عدم پاسخگویی مناسب به خواسته‌هایشان، بر شدت و گستره‌ی اعتراضات خویش خواهند افزود و تا تحقق کامل حقوق خود حاضر به بازگشت به سر کارهایشان نخواهند بود.

ما به عنوان مرکز همکاری احزاب کردستان ایران، پشتیبانی کامل خود را از مطالبات برحق، مواضع شجاعانه و مبارزات حق طلبانه‌ی کارگران معترض اعلام نموده و بر این باوریم که کارگران همانند سایر اقشار و طبقات جامعه‌ی ایران و کردستان شایسته‌ی یک زندگی سرشار از رفاه و حفظ حقوق صنفی و دموکراتیکشان هستند و در این راه نیز حق مسلم آنهاست که از طریق برگزاری اعتصابات، گردهمایی و میتینگ و سایر روشهای مبارزاتی، اعتراض خود را نسبت به وخامت اوضاع زندگیشان ابراز نمایند و حکومت مستبد و ظالم جمهوری اسلامی حق ندارد که خواسته‌ای آنان را با شکنجه، بازداشت، اخراج و تهدید

نفت و گاز ایران را فرا گرفت و در روزهای پس از آن، کارگران کارخانجات و بخشهای مختلف صنعت نفت و برق ایران در بهبهان، بوشهر، کنگان، خارک، تهران، اراک، گچساران، آبادان، اهواز، اصفهان، قشم، ماهشهر و... به اعتصاب پیوسته‌اند و رژیم تاکنون نیز نتوانسته از گسترش بیشتر موج اعتراضات وسیع کارگران جلوگیری کند.

این اعتصابات روز شنبه ششم تیرماه بخش اتومبیل سازی، نیروگاهها و دامداری را نیز در بر گرفت. به گفته‌ی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، کارمندان رسمی صنعت نفت نیز اعلام کرده‌اند که به منظور پشتیبانی از اعتراضات کارگران پیمانی، روز ۹ تیرماه به اعتصابات خواهند پیوست. در بیانیه‌ی این بخش از کارگران آمده است که دیگر ما کارگران فقر، بی‌تأمینی، تبعیض و نابرابری و محرومیت از اولیه‌ترین حقوق انسانی‌مان را برنمی‌تابیم. بر طبق همین بیانیه، در پالایشگاه تهران ۷۰۰ کارگر توسط رژیم بازداشت و از کارهایشان اخراج شده‌اند. این در حالیست که مطالبات کارگران

مرکز همکاری احزاب کردستان ایران با صدور بیانیه‌ای پشتیبانی کامل خود را از مطالبات برحق، مواضع شجاعانه و مبارزات حق طلبانه‌ی کارگران معترض ایران اعلام نمود.

متن بیانیه این چنین است:
بیانیه‌ی مرکز همکاری احزاب کردستان ایران
در پشتیبانی از اعتراضات کارگران ایران
توده‌های حق طلب مردم کردستان مردم آزادیخواه ایران
مجامع و محافل بین املی

همان گونه که استحضار دارید، طی چند روز اخیر کارگران صنعت نفت در ایران اعتصابات گسترده‌ای را آغاز نموده‌اند و اعتراضات و ابراز ناراضیاتی آنان نسبت به نقض حقوقشان از سوی جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد.

این اعتصاب گسترده که روز ۲۹ خردادماه با اعتراضات کارگران پیمانی شرکت «فراب» در بیدخون آغاز گردید، روز اول تیرماه با فراخوان «شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت» بخشهای مختلف صنایع

سه تشکل سیاسی اپوزیسیون رژیم ایران، خواستار اتحاد همه ایرانیان برای سرنگونی رژیم ایران شدند

ادامه سخن

پیشمرگ نیز کم مایه نگذاشتند و در سنگرهای مقاومت از کرامت ملت کورد شهید شدند. اما آن حضور و مشارکتی برابر با مردان نبود و می‌توان گفت بیشتر بصورت موردی بوده تا یک جریان ادامه‌دار. اما در «راسان» آن نمونه‌ها در صفوف مبارزاتی به جبرانی مداوم و به یکی از ستونهای اصلی راسان تبدیل شده است که کمتر به آن پرداخته شده و به عنوان تحولی تاریخی برای دختران و زنان کورد در کردستان ایران مطرح بوده و آنها در فضایی کاملاً برابر روزانه به صفوف پیشمرگان پیوسته و هم دوش با مردان به مبارزه ملت می‌پیوندند. به طرزى فضا تغییر کرده که زنان چه در شهر و چه در کوهستان علمدار جریان مبارزه حق طلبانه ملت خود هستند.

در حرکتی تاریخی، زنان و دختران کورد، دوره مقدماتی ۲۵۰ نیروی پیشمرگ کردستان را مختص خود کرده و همه مشارکت کنندگان دوره، دختران و زنان کوردستان بودند. این نشان از فرصت بزرگی است که «راسان» برای زنان فراهم و آنان نیز عملاً برابری خود با مردان را اثبات و با پایداری خود به یاد همه خواهند آورد که حق گرفتنی است، نه بخشیدنی. راسانتان پیروز زنان امید و رویا و انقلاب.

از جنایتکارترین مهره‌های خود عزم جزم خود را بر ادامه جنایت و سرکوب و کشتار مردم معترض بدنمایش گذاشت و اکثریت قریب به اتفاق توده‌های مردم ایران نیز باعدم شرکت در نمایش انتخابات برپایداری خود برای برکناری رژیم و رهایی از جهنم جمهوری اسلامی اصرار ورزیدند زیرا که سران جمهوری اسلامی خوب میدانند که دوران حاکمیتشان بسر رسیده و تلاش مینمایند بانشان دادن چنگ و دندان و ارباب مردمان ایران، آنان را دوباره به تسلیم وادارند.

صدمات ناشی از بقای نظام جمهوری اسلامی برای مردم ایران قابل تحمل نیست و چه بسا که در آینده ای نزدیک شاهد حوادثی از نوع دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ باشیم. ما سه نهاد اپوزیسیون ایرانی معتقدیم، ادامه حیات جمهوری اسلامی ناگزیر در سایه یک استبداد و سرکوب مانع هر گونه دادخواهی و رسیدن مردم به حقوق اجتماعی - سیاسی خود خواهد بود. جمهوری اسلامی باید برود و برای جلوگیری از حاکمیت دوباره ی استبداد، حاکمیت مردمان تاریخی ایران با نظامی جمهوری و فدرال-سکولار جایگزین آن گردد.

سرنگون باد نظام جمهوری اسلامی کنگره ملیتهای ایران فدرال شورای دموکراسی خواهان ایران همبستگی برای آزادی و برابری در ایران
شنبه ۵ تیرماه ۱۴۰۰
۲۶ ژوئن ۲۰۲۱

اسلامی همچنین در تلاش است که با غرب و به خصوص آمریکا بعد از انتخاب بایدن به ریاست جمهوری به توافق برسد و شرایط سیاسی خود را در کشورهایی که بطور مستقیم و غیر مستقیم در آنها نفوذ دارد، تثبیت کند.

اکنون ”باند رهبری“ یک حاکمیت یک دست بوجود آورده است. هر سه قوه به اضافه شورای نگهبان، نیروهای نظامی و سایر ارگانهای حکومت از یک جناح هستند و مردم در مقابل یک حکومت دیکتاتوری مذهبی فاسد و جنایتکار قرار گرفته، که جز غارت ثروتهای ملی و پر کردن جیب خود، به چیز دیگری نمی‌انديشد و برای حفظ این موقعیت از هیچ جنایتی خودداری نخواهد کرد.

گرانی و بی‌کاری بیداد می‌کند و معیشت مردم در وضعیت اسفباری است. بحران اقتصادی — اجتماعی جامعه ایران را در بر گرفته است و هیچ راه خروجی هم دیده نمی‌شود و مردم هم دیگر وعده‌های انتخاباتی و دروغهای حکومتیان را باور ندارد. تحریم گسترده انتخابات، که خود ناشی از جنبشهای اعتراضی ۹۶ و ۹۸ بود، نشان ازاین واقعیت دارد که بین مردم و حکومت شکاف عمیقی بوجود آمده و ریاست جمهوری رئیسی هم چیزی جز تشدید این شکاف نخواهد بود.

در راستای حفظ نظام، حکام جمهوری اسلامی بالتصاحب یکی

کلیت آن و طرح شعار سرنگونی است.

در ۲۵ سال گذشته سیاست اصلاح طلبان داخلی مبارزات مردم را سردرگم توهمی خوشبینانه کرد، که گویا می‌توان با پشتیبانی از جناحی از نظام، جناح مستبد و هار رژیم را پس زد، تجربه ۱۵ ساله گذشته مردم را به این پایه رساند که در نظام جمهوری اسلامی نمی‌توان به دموکراسی و آزادی‌های اجتماعی رسید و جمهوری را مستقر کرد.

برای اولین بار در تاریخ نظام اسلامی، مردم ایران به صورتی شفاف و به گونه ای رسمی اعلام کردند که جمهوری اسلامی نظام سیاسی مورد حمایت آنها نیست، و با توجه به این موقعیت سیاسی، جمهوری اسلامی از هیچ‌گونه حقانیتی در بستن پیمان‌های اقتصادی و سیاسی به نام مردم ایران برخوردار نیست؛ نظام جمهوری اسلامی باید برود!

اما جمهوری اسلامی سال‌هاست که از عدم حمایت مردم از خود، آگاه است، و در این انتخابات هم خوب می‌دانست که مردم مشارکت نخواهد کرد. بحران اقتصادی، کاهش درآمدهای رژیم به‌ویژه از محل فروش نفت و تحریم‌ها عملاً دولت را در آستانه ورشکستگی قرار داده است. گردانندگان نظام تلاش می‌کنند با پیگیری قرارداد برجام و توافق با غرب و آمریکا، حقوق سیاسی مردم را نادیده گرفته از این وضعیت خارج شوند . جمهوری



نوشته شده ای بود که کاملاً مهندسی شده به پایان رسید. شمار کل واجدین شرایط در مشارکت در انتخابات ۵۹ میلیون و .. اعلام شده است. وزیر کشور میزان مشارکت در انتخابات را ۴۸٫۸ درصد اعلام کرد، طبق همین آمار حکومتی بیش از ۳۰ میلیون از مردم در انتخابات شرکت نکردند. و به گزارش روزنامه شرق بیش از ۴ میلیون هم به هیچ کاندیدایی رأی ندادند(آرای باطله) که این مهر تاییدی است بر خفقتانی که بر ایران حاکم است.

همه کسانی که با عمل کرد سیاسی جمهوری اسلامی در ۴۳ سال گذشته آشنایی دارند، آگاهند که این آمار در جمهوری اسلامی همیشه تابع شرایط سیاسی روز و در راستای اهدافی است که جمهوری اسلامی در آینده در پیشدارد.

مهمترین پیام سیاسی در این انتخابات پیگیری همان شعار مردم در تظاهرات آبان ۹۸ است ، « اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا»، یعنی عدم اعتماد به جناحهای درون نظام و عبور از

سه تشکل سیاسی اپوزیسیون رژیم ایران، «کنگره ملیتهای ایران فدرال، شورای دموکراسی خواهان ایران و همبستگی برای آزادی و برابری در ایران»، طی بیانیه‌ای ضمن قدردانی از عدم مشارکت همه ایرانیان، خواستار اتحاد همه برای سرنگونی رژیم مستبد ایران شدند.

متن بیانیه این چنین است:
 پیروزی «نه» بزرگ مردم در نمایش انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰مردم ایران با زبانی گویا و با سکوتی معنادار با پشت‌کردن به صندوق‌های رأی فریاد خود را از ظلمی که ۴۳ سال بر آنها روا می‌شود به جهانیان اعلام کردند. انتخابات سیزدهمین دوره ریاست جمهوری در ایران در شرایطی برگزار شد، که بسیاری از چهره های شناخته شده ، مسئولین سابق حکومتی و مورد اعتماد نظام رد صلاحیت شدند. تأئید هفت کاندیدای ریاست جمهوری توسط شورای نگهبان از میان ۵۹۲ داوطلب و کناره گیری ۳ نفر از آنها به نفع دیگر کاندیدای هم گروه خود، همه و همه سناریوی

چه اتفاقاتی خواهد افتاد اگر ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد؟

مختار نقشبندی

در ۱۵ سال گذشته به جز چند سالی پس از امضا برجام همیشه بخاطر برنامه هسته‌ای سایه جنگ بر روی ایران بوده و قدرت های غربی و اسرائیل همیشه تاکید کرده اند که اگر ایران به ساخت سلاح هسته ای نزدیک شود بلافاصله اقدام نظامی انجام خواهند داد، البته پس از امضاء برجام هم به دلیل نارضایتی اسرائیل احتمال حمله به تاسیسات هسته ای ایران همچنان وجود ادشت اما نسبت به ۲ سال منتهی به برجام و اکنون شدت از احتمال جنگ کاسته شده بود، هر چند پس از روی کار آمدن دولت بایدن باز هم از احتمال جنگ کاسته شد و امید به احیاء برجام و توافقی گسترده تر میان ایران و غرب بر سر مسائل هسته ای و موشکی و منطقه ای بیشتر شده اما همچنان احتمال جنگ وجود دارد و اگر ایران بیش از این دسترسی آژانس به اماکن مورد نظر را محدود کند و همچنان به افزایش غنی سازی ادامه دهد آمریکا و همپیمانانش به تاسیسات هسته ای ایران حمله خواهند کرد و مسلما ایران هم پاسخ شدیدی خواهد داد و به یک جنگ تمام عیار تبدیل خواهد شد که آتش آن منطقه خاورمیانه و به ویژه ایران را فرا خواهد گرفت.
دلیل اینکه کشورهای غربی به ویژه آمریکا و کشورهای منطقه نسبت به برنامه هسته ای ایران بشدت حساس هستند این است که کنترل و مقابله با یک ایران هسته ای بسیار پرهزینه تر و مشکل تر است و این به طور مستقیم امنیت و منافع غرب را به خطر می اندازد و به طور غیر مستقیم با ایجاد یک رقابت هسته ای در منطقه و حرکت عربستان و امارات و دیگر کشورهای منطقه به طرف ساخت سلاح هسته ای تنها غرب بلکه امنیت و منافع روسیه و چین را هم به خطر خواهند انداخت.
حال فرض کنیم ایران به سلاح هسته ای دست پیدا کند، یعنی ایران برنامه هسته ای را مخفیانه سرعت بخشد و غرب و اسرائیل از آن مطلع نشوند یا به دلایلی اقدام نظامی انجام ندهد و ناگهان ایران با یک آزمایش هسته ای به جهان اعلام کند که به سلاح هسته ای دست یافته است، چه اتفاقی خواهد افتاد؟
خطرات و منافع یک ایران هسته ای برای ایران و منطقه چه خواهد بود؟
قبلا در مقاله ای با نام (قدرت هسته ای چیست؟ چرا ایران نباید سلاح هسته ای داشته باشد؟) که در روزنامه کردستان منتشر شد بطور مفصل در مورد قدرت هسته ای و تاثیر آن بر جایگاه و قدرت کشورها در جهان صحبت کردیم و توضیح دادیم که چرا رژیمی ایدئولوژیک ایران که به مردمان

کشور خودش رحم نمی کند نباید به این سلاح کشتار جمعی دست یابد و حتی اگر ایران دارای یک حکومت مردمی هم باشد باز در این ساختار سیاسی جهان به نفعث نیست به طرف ساخت سلاح هسته ای گام بردارد و بهتر است برای توسعه و افزایش قدرت و نفوذ در جهان مسیر ژاپن و آلمان و کره جنوبی را در پیش بگیرد.
در این مقاله با فرض اینکه رژیم ایران به سلاح هسته ای دست پیدا کند مشکلات یک ایران هسته ای را تشریح کنیم.

در ساعات اولیه پس از دستیابی ایران به سلاح هسته ای کشورهای جهان به ویژه ابر قدرت ها و کشورهای منطقه این اقدام ایران را به شدت محکوم می کنند و اسرائیل با اعلام آماده باش کامل نظامی تهدید به حمله پیش دستانه هسته ای خواهد کرد و قدرت های غربی خواستار نشست و واکنش فوری شورای امنیت خواهند شد، به هر حال حداقل کاری که شورای امنیت انجام خواهد داد تحریم گسترده و شدید و بین المللی ایران همانند کره شمالی خواهد بود و کشورهای غربی از تمام توان خود برای انزوای ایران استفاده خواهند کرد.

پس از دست یابی ایران به سلاح هسته ای ۳ احتمال وجود دارد ، جنگ، مذاکره و نهایتا توافقی برای خلع سلاح هسته ای ایران در برابر لغو تحریم های جهانی، تبدیل ایران به کره شالی دیگر و شروع جنگ سرد بزرگ و طولانی در خاورمیانه.

۱) **جنگ:** هر چند احتمال درگیری نظامی بانایران هسته ای کم است اما این احتمال وجود دارد، ما انسان ها سلاح های نظامی را برای تفریح نمی سازیم بلکه آنها را تولید می کنیم که اگر لازم شد از آنها استفاده کنیم و به همین دلیل بیش از ۲ درصد از تولید ناخالص جهانی متاسفانه صرف مسائل نظامی می شود، در صورت دست یابی ایران به سلاح هسته ای در زمینه جنگ چند احتمال وجود دارد که آنها را بررسی می کنیم.

الف) جنگ بدون‌ه استفاده از سلاح هسته ای :

اگر کشورهای غربی برای نابودی تاسیسات هسته ای و کلاhek های هسته ای ایران و یا برای جلوگیری از تولید کلاhek های هسته ای بیشتر به ایران حمله کنند مسلما به بسیاری از مراکز مشکوک نظامی و تاسیسات موشکی و پدافندی و حتی بعضی مراکز اقتصادی ایران حمله خواهند کرد و اگر ایران پاسخ این حمله را بدهد یک جنگ گسترده روی خواهد داد و ایران از هر لحاظ بشدت آسیب خواهد دید و بیشتر زیر ساخت های اقتصاد و وضعیت ایران نابود خواهد شد و وضعیت اقتصادی ایران پس از این جنگ از کره شمالی هم بدتر خواهد شد و کلا از لحاظ اقتصادی و نظامی ایران فلج خواهد شد، پس اگر رژیم ایران در چنین شرایطی از سلاح هسته ای استفاده نکند پس این سلاح ها را برای چه زمانی تولید کرده؟ و یا فرض کنیم که جنگی محدود بر سر مسائل منطقه ای ایران روی بدهد که با توجه به تحریم های جهانی و انزوای ایران و همپیمانی کشورهای منطقه در این درگیری های محدود هم ایران به نسبت اکنون آسیب پذیر تر خواهد بود و باز باید پرسید این سلاح های هسته ای را برای چه و برای کی تولید کرد؟

ب) ایران حمله هسته ای را آغاز کند :

هر چند احتمال چنین حمله ای بسیار کم است اما با توجه به ماهیت ایدئولوژیکی رژیم و تهدیدات دهها ساله آنان بر علیه غرب و تهدید های مکرر آنان بر ضد اسرائیل این احتمال وجود دارد که رهبران رژیم ضربه اولیه هسته ای را وارد کنند، اما از نظر نظامی چنین کاری به معنای خودکشی است چون ایران در طول چند سال نهایتا بتواند همچون کره

شالی تعدادی کلاhek هسته ای کوچک تولید کند که این تعداد کلاhek برای انجام حمله اولیه اتمی بسیار کم است چون هدف از حمله اولیه هسته ای نابود کردن تمام توان نظامی به خصوص توان

هسته ای طرف مقابل و نابودی زیر ساخت های آن کشور است که حتی قدرتی مثل چین هم که حدود ۳۰۰ کلاhek هسته ای دارد توانایی نابودی آمریکا در حمله غافلگیرانه هسته ای را ندارد، قدرت هسته ای مثل کره شمالی در مقایسه با انگلستان و فرانسه که هر کدام حدود ۳۰۰ کلاhek هسته ای قدرتمند در اختیار دارند و یا آمریکا که حدود ۵۰۰۰ کلاhek هسته ای قدرتمند در اختیار دارد بسیار ناچیز است و همچنین ایران در زمینه سلاح های حمل کننده کلاhek های هسته ایی موانند موشک و ... توانایی وارد کردن ضربه اتمی به کشورهای اروپائی را هم ندارد چه برسد به آمریکا پس تنها گزینه اسرائیل است که ایران با چند کلاhek کوچک هسته ای می تواند آن کشور را نابود کند اما زبردیایی های اسرائیل با موشك های هسته ای ایران را به خاکستر تبدیل خواهند کرد و این چیزی نیست که رهبران رژیم که در ناز و نعمت زندگی می کنند آن را بخواهند، پس رهبران رژیم ایران سلاح هسته ای را برای چه تولید کردند؟

ج) به ایران حمله هسته ای شود؟
اگر رژیم ایران به سلاح هسته ای دست پیدا کند و به تهدیدات دهها ساله خود مبنی بر نابودی اسرائیل ادامه دهد امکان دارد رهبران اسرائیل با کمک کشورهای غربی در حمله ای غافلگیرانه و پیشگیرانه با استفاده از سلاح های نقطه زن و کلاhek های هسته ای کوچک مراکز مهم ایران را مورد حمله قرار دهند، در چنین حمله ای برای جلوگیری از پاسخ هسته ای ایران به هر جایی که احتمال بدهند کلاhek های هسته ای قرار دارد حمله خواهند کرد، مسلما در چنین حمله ای شهر های ایران مستقیما مورد حمله قرار نخواهند گرفت اما حمله به پایگاه های بزرگ رژیم و مراکز فرماندهی و مناطق مهم صنعتی و اقتصادی و هر جایی که احتمال داشته باشد ایران در آنجا کلاhek های هسته ایش را مخفی کرده باشد اثرات ویرانگر و



منفی بر کل کشور ایران خواهد گذاشت، هر چند احتمال چنین حمله ای بسیار ضعیف است اما اگر رهبران اسرائیل کشور شان را در معرض نابودی ببینند مسلما منتظر حمله اتمی ایران نخواهند ماند و حتی بدون آمریکا حمله پیش دستانه هسته ای را آغاز خواهند کرد، این به معنای کشته شدن میلیون ها نفر در ایران بر اثر حمله هسته ای و یا بیماری های ناشی از آن خواهد بود، لازم به ذکر است که در زمان جنگ سرد شوری و آمریکا برای ترساندن و پشیمان کردن طرف مقابل از حمله غافلگیرانه هسته ای دهها هزار کلاhek هسته ای تولید کردند تا در صورت غافلگیری و نابودی بیشتر سلاح های هسته ای باز هم بتوانند طرف مقابل را بطور کامل نابود کنند. ایران نهایتا بتواند قدرتی هسته ای در سطح کره شمالی شود و توانایی رقابت هسته ای با قدرت های جهانی و حتی اسرائیل و پاکستان و هند را هم ندارد پس در صورت دستیابی به سلاح هسته ای باید رفتار و سخنان مقامات سیاسی و نظامی رژیم دقیق و سنجیده و عاقلانه شود تا طرف مقابل اقدام به حمله پیش گیرانه و پیش دستانه هسته ای نکند. اگر ایران نمی تواند با قدرت های جهانی و حتی اسرائیل هم رقابت هسته ای کند و توانایی دفاع در برابر حمله گسترده هسته ای را ندارد پس چرا سلاح هسته ای تولید کنند و چرا این همه کشورهای دیگر را تهدید به نابودی می کنند؟

از نظر سیاسی و نظامی و اقتصادی برای کشورهایی مثل ایران بهتر است همانند ژاپن و آلمان و کره جنوبی با همپیمانی با قدرت های بزرگ جهان زیر حمایت چتر هسته ای آنان قرار بگیرند و با افزایش قدرت اقتصادی و تکنولوژیکی به سطحی برسند که اگر برای دفاع از منافع شان به سلاح هسته ای نیاز داشتند هیچ قدرتی نتواند مانع شان شود و آنان را منزوی کند، کشور ژاپن و کره جنوبی که هنوز سلاح هسته ای تولید نکرده اند آنچنان از نظر اقتصادی و تکنولوژیکی پیشرفت کرده اند

کوردستان

که اگر بخواهند سلاح هسته ای تولید کند در یک سال کلاhek های هسته ای بیشتر و قدرتمندتر از کره شمالی تولید خواهند کرد.

۲) مذاکره و نهایتا توافقی برای خلع سلاح هسته ای ایران در برابر لغو تحریم های جهانی :

مسلما پس از دستیابی ایران به سلاح هسته ای ضمن وضع تحریم های شدید و بین المللی درهای مذاکره با ایران برای خلع سلاح هسته ای این کشور باز خواهد بود، اما اگر قرار است که مقامات ایران در مقابل لغو تحریم های جهانی خلع سلاح هسته ای را بپذیرند چرا اصلا این سلاح را تولید کنند؟ این احتمال وجود دارد که مقامات ایرانی این تصور اشتباه را داشته باشند که اگر به سلاح هسته ای دست پیدا کنند جامعه جهانی در مقابل خلع سلاح امتیازات زیادی به آنان خواهد داد اما این یک محاسبه و تصور اشتباه است، شاهد هستیم که آمریکا پس از بارها مذاکره با کره شمالی حاضر نشده حتی کوچکترین امتیازی به آن کشور بدهد و رهبران کره بیم آن دارند که اگر خلع سلاح را بپذیرند آمریکا به تعهداتش عمل نکند و در واقع هیچ تضمینی هم وجود ندارد، همانگونه که آمریکا به راحتی از برجام خارج شد امکان دارد از هر قرار داد و توافق دیگری هم خارج شود، پس کاملا اشتباه است که مقامات ایرانی به تصور امتیاز گرفتن از غرب کشور را وارد با تلاق و مشکلاتی بزرگتر از اکنون کنند، درست است که ایران اگر سلاح هسته ای تولید کند دستش برای مذاکره پر خواهد شد اما در صورت دستیابی به سلاح هسته ای جامعه جهانی به ویژه غرب بطور کامل از آمریکا پشتیبانی خواهد کرد و عملا دستان آمریکا برای مذاکره پرتر خواهد شد و ایران در مذاکره چیز بیشتری به نسبت اکنون بدست نخواهد آورد.

۳) تبدیل ایران به کره شمالی دیگر و شروع جنگ سرد بزرگ و طولانی در خاورمیانه :

این گزینه محتمل تر است، اگر ایران به سلاح هسته ای دست پیدا کند هر چند احتمال درگیری گسترده وجود دارد اما به دلیل تلفات بالا و خطرات چنین جنگی طرفین تا حد ممکن از آن دوری خواهند کرد و همانطور که بیان کردیم مذاکره و توافق هم به این آسانی ها بدست نمی آید و ایران خواسته یا ناخواسته در مسیر کره شمالی قرار خواهد گرفت، تحریم های جهانی وضعیت اقتصادی و معیشتی در ایران را بحرانی خواهد کرد و جنگ سرد و نیابتی در منطقه بزرگتر خواهد شد و ثروت مردمان فقیر خاورمیانه صرف ساخت سلاح های هسته ای و موشک و سیستم های پدافندی خواهد شد، آمریکا مستقیم و غیر

ادامه در صفحه ۵

ناصر عزیز: «هیچ احدالناسی از عموم مردم در انتخابات شرکت نکرده است»



روزنامه کوردستان بخش فارسی حزب دمکرات کوردستان ایران با آقای ناصر عزیز عضو جنبش آزادی‌بخش الاحواز مصاحبه انجام داده است بدین شرح است:

جنبش مبارزه عربی برای آزادی اهواز (حركة النضال العربي لتحرير الاحواز) حزبی ملی‌گرا است که خواهان جدایی سرزمین خوزستان از ایران است. روزنامه کوردستان بخش فارسی با ناصر عزیز عضو جنبش آزادی‌بخش الاحواز مصاحبه انجام داده است.

این مصاحبه در مورد وضعیت الاحواز با تکیه بر سیاست‌های رژیم اسلامی ایران است.

۱. وضعیت ملی‌گرایی در مینن شما خوزستان در چه برهه‌ای از سیاست مدرن عقلایی است؟
عرض ادب واحترام خدمت شما برادر عزیز وگرامی وخدمت قراء روزنامه شما در ابتدا جا دارد که توضیحي در مورد اسم مذکوره بدهم خوزستان اسم جعلي شمال الاحواز مي باشد وما اين اسم را قبول نداريم

در الاحواز بصورت عموم مردم زیر بار شکنجه وسياستهاي متعدد اين نظام مي باشد ولي از هر فرصتي که ايجاد مي شد ملت ما به پا مي خيزيد ومطلب اساسي خود را بر ملاء مي کرد، ضمنا اين مطلب به هر طريقه اي که باشد در يك غالب بوده ومي باشد وآن ازادي سرزمين اجداديمان از دست استعمارگر ايراني است.

۲. جریان ملی‌گرایی با تکیه بر احزاب ملی‌گرای الاحواز چگونه در مقابل سیاست‌های رژیم ایران مقابله کرده است؟

لازم بذکر است که جمهوري تروريستي ايران بارها سعي کرده که به جنبش آزادي بخش الاحواز لثمه وارد بکند چه از طريق چسباندن برچسبهاي همچون ارتباط با احزاب يا اطراف يا کشورهاي متنازع با ايران يا به روشهاي ديگر که مهمترين آنها برقراري روابط اقتصادي وسياسي با دانمارک جهت اينکه فرمانده ورئيس جنبش آزادي بخش الاحواز وهم پيمان ايشان يعقوب حر وناصر جبر را دستگير وبه جنبش لثمه وارد کنند. ولي

ملت الاحواز بصورت کلي ونه فقط جنبش آزادي بخش الاحواز واحزاب از اين استعمارگر متنفر هستند وهمه زیر فرمان حبيب جبر سعي کرده ومي کنيد تا سايه استعمارگر را از سرزمينمان دور برانيم.

۳. مشارکت در انتخابات این دوره از ریاست جمهوری و شورای شهر و روستا بسیار کم بوده است؛ این وضعیت در سرزمین شما چگونه بوده است؟ سیاست شما در عدم مشارکت برای مردم چه بوده است؟
در انتخابات يا انتصابات برقرار شده نسبت مشارکت مردم الاحوا طبق سنجش نظام ۳۴٪ بوده که بايد در نظر داشت که اين به ان معنا بوده که هيچ احد الناسي از عموم مردم شرکت نکرده واين نسبتي اعلان شده افراد يگانهاي دولتي اين نظام اعم از مزدوران اين نظام واشخاصي که در ارگانهاي مجبور به مشارکت در تاتر موسوم به انتخابات بوده اند که مشارکت انها هم يا با برگه يفيد بوده يا اسامي همچون حبيب جبر يا الاحواز شرکت کرده اند واين خود توضيح کننده فرمان رئيس جنبش

آفتي حبيب جبر وتطبيق مردم شريف الاحواز را مي دهد.

۴. احواز به مثابه یک سرزمین از سوی رژیم ایران مورد اجحاف و ستم قرار گرفته است و منابع مادی آن به تاراج می‌رود، این سیاست چه هدفی را دنبال می‌کند؟

سياست ظلم ستم وتفرقه وهمچنين اجحاف در حق مردم الاحواز فقط وفقط يك سياست را دنبال مي کند وآن سياست تهجير مردم الاحواز است که اين را به وضوح در نامه ابطحي رئيس دفتر رثاست جمهوري وقت در سال ۲۰۰۵ بوده که در آن نامه از هجرت دادن مردم الاحواز وارگانهاي مسؤل در اين امر نام برده شده بود که از جمله آنها اداره منابع طبيعي که فعاليت کنوني آن در خراب کردن محيط زيست الاحواز واضح به عيان است وهمچنين وزارت نيرو که در حال حاضر مردم الاحواز به علت انقطاع آب وبرق به خيابانها ريخته اند که هر شخصي که به اوضاع الاحواز مطلع باشد ميداند به چه شيوه اي اين اداره جات با زندگي مردم

بازي کرده تا اين مردم زده بشوند وسرزمينشان را ترك کنند.

۵. در آبان ۹۸؛ ماهشهر احواز بيشترين سرکوب را داشت؛ رژیم ایران معترضان را تجزیه‌طلب نامید ، چرا؟

ماهشهر اسم جعلي معشور است وما ايراني نيستيم تا بخواهيم ايران را تجزيه کنيم مردمي که در خيابانهاي الاحواز آمده اند خواستار بيرون راندن استعمارگر بوده اند که رژيم تروريستي ايران با توپ وتانک مقابل فريادهاي الحق مردم ايستاد.

۶. قدرت مرکزی در تهران احزاب مخالف احواز را تجزیه‌طلب می‌نامد؛ سیاست شما برای فردای سرگونی رژیم ایران چیست؟
همانطور که مطرح کرده ام سرزمين ما زير استعمار ايران مي باشد وما آن را ازاد خواهيم کرد ، در آينده نزديک که اين نظام سرنگون خواهد شد همانطور که آقای حبيب جبر فرمود حق تعيين سرنوشد با مردم ما خواهد بود وتنها ملت الاحواز هستند که سرنوشت سرزمينشان را

تعيين خواهند کرد.

۷. روابط دیپلماتیک شما با سایر احزاب کورد و غیره کورد چگونه است؟

ما نشستهاي متعددي با برادران کرد وبلوچ وهمچنين احزاب اذريابجان داريم وميدانيم که تنها با کمک يکديگر ميتوانيم سرزمينهايمان را آزاد کنيد وبخواطر بسياريم که ما در يك سنگر هستيم و دشمن ما اعم از اخوند وبهلوي ورجوي در يك سنگر واز يك ديده‌گاه به ما مينگرند.

۸. نظر خود را در رابطه با وضعیت کنونی احواز بيان بفرمایید.

در حال حاضر ملت الاحواز بيشتر از همي مرحله هاي گذشته آماده هست تا حق خود را از استعمارگر بگيرد وسرنوشت خود را با دستان خودش تعيين کند ضمنا لازم بذکر است که چشم مردم الاحواز به آزادي فرمانده خود حبيب جبر آست.

نمی تواند جایگاه و قدرت ایران در منطقه و جهان را ارتقاء دهد و تنها در کوتاه مدت به دليل تاثير روانی سلاح هسته ای تا حدودی در داخل کشور و منطقه به نفع رژیم خواهد بود اما در ميان مدت و طولانی مدت قدرت و جایگاه ایران در خاورميانه تنزل پيدا خواهد کرد و حتی شرايط داخلي رژيم از اکنون هم بدتر خواهد شد. اگر رژيم در سياست های هسته ای ومنطقه ای تجديد نظر نکند و با غرب به توافق نرسد و به طرف ساخت سلاح هسته ای گام بر دارد مردمان ايران و نسل های آينده قربانی و بازنده روئيا پردازی های رهبران خوش گذران رژيم خواهند شد. تا ديرتر نشده بايد اپوزسيون متحد شوند و با هدايت و رهبری مردمان ايران سيستم سياسی و رژيم ايران را تغيير دهند، اتحاد بين اپوزسيون تنها وقتی شکل خواهد گرفت و اثر گذار خواهد بود که به حقوق همه مليت ها و اقوام و مذاهب و احزاب و سازمان ها و گروه ها احترام گذاشته شود.

حال اين سوال پيش می آيد پس چرا مقامات رژيم ايران در اين مسير قدم گذاشتند؟ در حقيقت مقامات رژيم ايران درک درست و واقع بينانه ای از شرايط وامكانات و توانایی های ايران نداشتند و با دست کم گرفتن کشورهای غربي و اسرائيل و عربستان وبا محاسباتی اشتباه و روئيا پردازی قصد داشتند با کمترين هزينه و مخفيانه به سلاح هسته ای دست پيدا کنند و همزمان با پيروزی در جنگ های نيابتي خاورميانه و کنترل مناطق نفتی به قدرتی بزرگ تبديل شوند اما در هر دو زمينه شکست خوردند و در باتلاقی گرفتار شده اند که خروج از آن به اين آسانی ها امکان پذير نيست، هم اکنون اگر مقامات رژيم ايران نتوانند با غرب به توافق برسند و به طرف ساخت سلاح هسته ای گام بر دارند و موفق به ساخت آن شوند تنها يک فايده برای آنان خواهد داشت و آن حفظ رژيم است، با توجه به مطالبی که بيان کرديم سلاح هسته ای

قربانی روئيا پردازی های رهبران ديکتاتور آن کشور شده اند. توليد سلاح هسته ای موقتا ايران را قوی خواهد کرد اما نهايتا آنچنان ضعيف خواهد شد که از رقابت جهانی عقب تر خواهند افتاد. لازم به ذکر است که در صورت هسته ای شدن ايران تلاش نهادهای امنيتی غربي و اسرائيل برای نفوذ بيشتر در ايران شدت خواهد گرفت و خرابکاری های صنعتی و نظامی بيشتر خواهد شد و حتی احتمال خرابکاری هسته ای هم وجود دارد و اين جان مردمان ايران را به خطر خواهد انداخت، رژیمی که به گفته مقامات خودشان نتوانسته است از نفوذ نهادهای امنيتی خارجي جلوگیری کند و موساد در همه جا نفوذ کرده است و قادر به حفظ امنيت سری ترين و امنيتی ترين مراکزش همانند طنزنر نيست چگونه می تواند در يک جنگ سرد امنيت مراکز حساس کشور و حتی امنيت مراکز استقرار کلاhek های هسته ای را برقرار کند؟

جنوبی از نظر وضعیت اقتصادی و معیشتی و رشد اقتصادی تفاوت زیادی باهم نداشتند اما اکنون کره جنوبی با توليد ناخالص داخلي بيش از ۱۶۰۰ ميليارد دلار به اقتصادی بزرگ و کشوری تاثير گذار در منطقه و جهان تبديل شده و کره شمالی با اقتصادی (آمار دقيقی از توليد ناخالص داخلي کره شمالی وجود ندارد اما بيشترين تخمين ها کمتر از ۴۰ ميليارد دلار است) ضعيف و فقر گسترده کشوری منزوی در جهان است، هر چند کره جنوبی علی رغم بودجه نظامی بالا و مجهز شدن به تسليحات پيشرفته هنوز به تنهایی توانایی حفظ امنيتش در برابر کره شمالی هسته ای را ندارد اما به علت اقتصاد قوی و تکنولوژی بالا سال به سال توانایی نظامی آن کشور با سرعت بيشتری نسبت به کره شمالی در حال افزايش است و عملا کره شمالی در رقابت اقتصادی و نظامی بازی را به کره جنوبی باخته است و در اين ميان مردم کره شمالی

مستقر شوند، هر چند چنين اقداماتی با واکنش منفی و شديد آمريکا و روسيه و چين و اروپا روبه رو خواهد شد اما در صورت دستيابی ايران به سلاح هسته ای جلوگيری از هسته ای شدن ديگر کشورهای خاورميانه عملا غير ممکن خواهد شد. کره شمالی شدن ايران به منافع غرب ضربه وارد خواهد کرد و هزينه های امنيتی و نظامی آن کشورها را بالا خواهد برد اما ضرر مند اصلی منطقه خاورميانه به ويژه ايران خواهد بود، سرمايه گذاری در خاورميانه تحت تاثير چنين رقابت تسليحاتی کم خواهد شد و به علت افزايش زياد بودجه های نظامی رشد اقتصادی کشورهای منطقه کم خواهد شد و هر چند ايران در کوتاه مدت دست و بالش طولانی مدت ايران ضررمند اصلی اين رقابت ها خواهد شد و در تمام زمينه ها بازی را خواهد باخت، ۶۰ سال پيش کره شمالی و کره

اتحاد و همبستگی

راهکاری اساسی برای رهایی از ظلم و استبداد



پیشوا صالحی

شد که تصورات و تبلیغات رژیم نامشروع جمهوری اسلامی در نام بردن ملیتهای ساکن در جغرافیای سیاسی ایران به عنوان اقوام ایرانی هیچ صحت و سندیتی ندارد و در اصل مقصود از این نامگذاری‌ها همگون سازی ملیتی توسط رژیم دیکتاتوری در رأس قدرت می‌باشد و به منظور ایجاد یک ملت واحد با جغرافیا، زبان، فرهنگ و تاریخی مشترک برای تسلط بیشتر بر قدرت و همچنین گریز از سرنگونی است. دبیر کل سابق حزب دمکرات کردستان ایران شهید دکتر «قاسملو» بارها این را بیان داشته است که رژیم نامشروع جمهوری اسلامی فقط با اتحاد ملیتهای تحت ستم ساکن در جغرافیای سیاسی ایران سرنگون خواهد شد، بر این اساس حزب دمکرات کردستان ایران از ابتدای بر سر کار آمدن رژیم غیرمردمی جمهوری اسلامی تا به امروز در راستای ایجاد اتحاد و به قناعت رساندن کلیه ملیتهای تحت ستم در ایران از هیچ گونه تلاشی دریغ نکرده است و خوشبختانه تغییرات قابل توجهی در این زمینه پدید آورده است به گونه‌ای که امروزه کلیه ملیتهای تحت ستم و تشکیل دهنده ایران خواهان احقاق حقوق ملی خود می‌باشند و بر اتحاد و همبستگی ملیتهای ساکن در ایران برای گذار از رژیم تروریستی و تمامیت‌خواه جمهوری اسلامی تاکید می‌ورزند. همانگونه که بیان شد ایجاد اتحاد در میان کشورهای چند ملیتی همچون ایران بسیار دشوار و پرهزینه می‌باشد و برای گذار از حاکمیت دیکتاتوری آن و به قناعت رساندن کلیه ملیتهای تشکیل دهنده ایران باید احزاب و جریانات سیاسی اپوزیسیون رژیم برنامه‌ی سیاسیشان را به گونه‌ای تنظیم کنند که استراتژی‌شان با یکدیگر همسویی داشته باشد به گونه‌ای که همه‌ی ملیتهای ساکن در ایران به این درک برسند

آگری اسماعیل‌نژاد

یکی از اساسی‌ترین کارایی حکومت‌ها در عصر مدرن مدیریت بحران‌های است که جامعه با آنها روبرو می‌شود و حتی مقوله توسعه که خروجی مجموعه سیاستهای یک حاکمیت است، نیز مستقیم با مدیریت بحران در ارتباط است. عملکرد جمهوری اسلامی در سطح منطقه و روابط بین‌المللی بر کسی پوشیده نیست و برای همگان نمایان است که در چند دهه گذشته رژیم جمهوری اسلامی تلاش کرده است که سیاست خارجی خود را بر پایه بحران‌سازی در منطقه علی‌الخصوص بحران سازی در کشورهای اسلامی بنیاد نهد؛ اما مقوله بحران سازی در داخل که در تضاد کامل با فلسفه حکومتداری مدرن است، نیز به بخشی از رفتارهای جمهوری اسلامی در سطح ایران تبدیل شده است. برای ملموس شدن بحث به مقوله بحران کرونا می‌پردازیم، ایران یکی از کشورهایی بود که بیماری کرونا همزمان با چین در ایران هم منتشر شد، تا حال که قریب ۱۸ ماه از انتشار اولیه کرونا می‌گذرد، طبق اعلام منابع حکومتی ایران چهار موج این بیماری را پشت سر گذاشته و در آستانه ورود به موج پنجم است، رفتار مشخص جمهوری اسلامی در مقابله با این پاندمی که خود یک ابربحران جهانی است بدین شرح بود: **یک:** در آغاز بحران تقابل علم و دین به پیش کشیده شد، در این بین بخشی از حاکمیت به‌عنوان صیانت از مکان‌ها و مناسک مذهبی به هر طریقی در تلاش بودند تا گردهمایی‌های مذهب و توریسم مذهبی را از پروتکل‌های مقابله با ویروس کرونا مستثنا کنند، جدا از این مثال ساختار پروپاگاندای حکومتی تلاش کرد مقوله پزشکی اسلامی را نیز مطرح کند، این رفتارها کنترل بیماری را عملاً غیرممکن کرد و به رفتار مذکور به عاملی تبدیل شد که جامعه درک گستردگی بحران را نکند. **دو:** بعد از فرونشست موج اول بدون هیچ اعلامی حکومت سیاست ایمنی گله‌ایی را پیاده کرد و پیاده سازی این سیاست هنگامی اعلام شد که مسولین وزارت بهداشت با هم اختلاف پیدا کردند و هر کدام در تلاش بودند دیگری را به اجرای این سیاست محکوم کنند. **سه:** رفتارهای نمایشی اعم از

کوردستان

بحران سازی‌های جمهوری اسلامی از چه حکایت دارند؟

عرصه سیاست توسط این باندهای فساد وضعیتی را ایجاد کرده است که عملاً هیچ تصمیمی بدون تامین منافع جمعی خاص گرفته نمی‌شود، پس ساختار سیاسی تصمیمات خود را در سایه منافع گروههای فاسد ذی‌نفوذ می‌گیرد، نه بر اساس تامین منافع جمعی **سه:** عملکرد جمهوری اسلامی در چند دهه گذشته مسبب آن شده است که برای مردم پدیده حکمرانی بد کاملاً محرز شود، حاکمان در این نوع حکمرانی در عملاً توانایی اقتدار خود را از دست می‌دهند و قدرت اجرایی قانون در جامعه به حداقل ممکن می‌رسد، بدین معنی که مردم هیچ الزامی برای اجرای قانون قائل نیستند و عملاً حکومت جمهوری اسلامی از اقتداری برخوردار نیست، تا دستورالشت خارج از اینکه در چه زمینه‌ای است، اجرا شود. **چهار:** قانون در جمهوری اسلامی ابزاری برای تامین منافع حاکمان شده است و در عمل قانون را ذی‌نفعان می‌نویسند، تا مردم آن را اجرا کنند و بر همین اساس همیشه بخش‌های از قانونی که تدوین شده است، هرگز اجرا نمی‌شود، چون حاکمان از اجرا آن هیچ منفعتی نمی‌برند و یا آن را در تضاد با خود می‌بینند. در واقع متن قانون چه اساسی و چه قانون موضوعه نیز به فضایی برای ادامه همان جنگ روانی با مردم تبدیل شده است، بدین معنی که مفادی در آن گنجانده می‌شود تا نظر مردم را تامین کند، اما این مفاد هرگز توسط دستگاههای حکومتی اجرا نمی‌شود. مردم این مسئله را درک کرده و در عملاً خود را ملزم به اجرای چنین قانونی نمی‌دانند. این چهار مسئله جمهوری اسلامی را ذاتن به یک رژیم بحرانساز تبدیل کرده است، البته گذر از این چهار مسئله در عمل برای جمهوری اسلامی امکان پذیر هم نیست و تداوم وجودش هم بر وسعت این چهار موضوع در عرصه سیاست جامعه اقتصاد و فرهنگ می‌افزاید و زمینه سقوط آن را فراهم می‌کند. سخن پایان این است که در ظاهر سیاست بحران سازی جمهوری اسلامی چه در داخل و چه در سطح منطقه برای تداوم این حکومت است، اما در واقع بحران سازها در ذات این رژیم و در راستای کسب منافع باندهای قدرت است و در عمل هم این بحران سازها زمینه عدم اقتدار و سرانجام سقوط جمهوری اسلامی را فراهم می‌کند.

اعلام اینکه این ویروس توسط آمریکا برای ضرب زدن به چین طراحی شده است و تا اعلام درست کردن ۷ نوع واکسن کرونا در حالی که تا ۱۰ تیر ۱۴۰۰ کمتر از ۷ درصد مردم ایران واکسن شده‌اند و این تعداد هم توسط واکسن‌های تولید خارج از ایران واکسن شده‌اند، احداث چندین قرارگاه از طرف سپاه پاسداران و اعلام موفقیت همه آنها، اعلام اختراع دستگاه ویروس یاب، نامگذاری پروتکل مقابله با کرونا به اسم قاسم سلیمانی، آمارسازی‌های عجیب از دستکاری در آمار مبتلایان تا تعداد فوت شده‌ها و عددسازی در احداث مراکز درمانی، مسئله واکسن زدن خامنه‌ای و ... این رفتارهای نمایشی بیشتر به یک جنگ روانی علیه مردم می‌مانند و برای هر کارشناسی دلیل آن ناواضح است و مسلمن رفتاری احمقانه تلقی می‌شود. اگر رفتار جمهوری اسلامی را در ۱۸ ماه اول بحران اپیدمی کرونا طبقه‌بندی بکنیم این رژیم دست به جنگ روانی با مردم زده است، کما بی‌السابق عدم شفافیت و آمارسازی در چگونگی برخورد با این پاندمی در اوج خود قرار دارد، موازی‌سازی در زمینه مقابله با کرونا انجام داده و در زمینه کنترل اپیدمی هیچ برنامه مشخص و معلومی نداشته است و در مورد واکسیناسیون مردم هم از برنامه خاصی پیروی نمی‌کند ، مجموعه این موضوعات بدین معنی است که جمهوری اسلامی عملاً و عمدا رفتارهای موجب گسترش بحران کرونا شده است اما دلیل این رفتارهای به چه چیزی برمی‌گردد؟ در زمینه ذات بحران ساز رژیم جمهوری اسلامی خارج از اینکه این بحران چه نوع بحرانی است باید اظهار کرد: **یک:** رژیم جمهوری اسلامی یک رژیم ایدئولوژیک است و برنامه و استراتژی دارد که جامعه ایده‌آل خود را تحقق بخشد، در واقع رفتارهای متفاوت و گاه‌ا عجب که حکومت در بحران‌ها انجام می‌دهد، بخشی از آن مربوط به این ایدئولوژی و این نگاه به مسائل و بحران‌ها است. آنها هر بحران یا موضوعی را براساس ایدئولوژی آخزمانی خود بررسی و برای آن راهکار می‌جویند. **دو:** فساد ساختاری عامل دیگر در رفتارهای ناهنجار جمهوری اسلامی در روبرو شدن با بحرانها است؛ موضوع فساد ساختاری و قدرت تصمیم‌گیری یا حضور در

تو خود گوی و خود خندی، عجب مرد هنرمندی!



نخستین اظهارات خامنه‌ای پس از اتمام نمایش انتخاباتی خرداد ۱۴۰۰، با تجلیل از مشارکت حماسه آفرین مردم در این نمایش و تبریک و تمجید از رئیسی، رئیس جمهور منتصب خویش آغاز شد. وی روز دوشنبه هفتم تیرماه در دیدار با رئیسی و دیگر مقامات قضایی رژیم، سیزدهمین دوره انتخاباتی ریاست جمهوری را به زعم خود «حماسه‌ی عظیم و واقعی» خواند. البته نادرست هم نگفته چراکه در ادوار گذشته نیز مشارکت به هر میزانی که بوده حماسه خوانده و بالاخره معیار مشخصی از میزان مشارکت را معیار قرار نداده تا بتوان طبق آن به حماسی بودن این دوره رای داد. انتخابات در نظامهای مستبد غیر از به سخره گرفتن آرای مردم و مشروعیت گیری به هیچ وجه دربرگیرنده اصول دموکراتیک نیست. در نظام خودکامه‌ی آخوندی نیز شرایط بر همین منوال پیش رفته و انتخابات تنها برای مشروعیت بخشی به نظام و عوامفریبی صورت گرفته است. در این دوره از انتخابات علیرغم مهندسی کردن و تقلب که کار همیشگی رژیم در ادوار گذشته نیز بوده است، طبق اعلام وزارت

کشور حدود ۴۸ درصد مردم پای صندوقهای رای رفتند و از این میزان حدود ۱۳ درصد (۴ میلیون) آرا، باطله بوده که رتبه‌ی دوم را به خود اختصاص داده است که در نوع خود بی نظیر بود. این میزان مشارکت، پایین ترین میزان مشارک در انتخابات در طول زمامداری این رژیم تا بحال بوده که این میزان خود حماسه بودن این انتخابات را زیر سوال میبرد. ولی باید ببینیم چه اتفاقی در درون این نظام رخ داده که میزان مشارکتی پایین نیز حماسه آفرینی مردم قلمداد شود. بر همگان عیان است که رئیس جمهور در ایران آخوندی یک تدارکچی‌ای بیش نیست و برخلاف ادعای خودشان و علیرغم فیلترینگی منحصر به فرد در در انتخابات قبل از رای گیری و حتی ماهها قبل نیز مشخص شده بود. پس به خوبی قابل درک است که میزان مشارکت به هر میزانی که باشد حماسه است چرا که خود انتخابات یک فریب بیش نیست و میزان به هر اندازه در نتیجه آن تغییری ایجاد نخواهد نمود فقط تنور انتخابات داغ یا سردتر خواهد بود.

صرفنظر از حماسه آفرین بودن یا نبودن مشارکت در این دور از نمایش انتخاباتی، جهت گیری خامنه‌ای در نخستین اظهاراتش پس از موفقیت جبهه‌ی تحریم کنندگان قابل توجه بود که اوج وحشت و انزجار در سخنان او نمایان

است. شعار همیشگی خامنه‌ای و اهل بیتش مدام کوبیدن مشمت محکم بر دهان امریکا و اسرائیل بود ولی در چرخشی قابل توجه اینبار خلق این حماسه را «مشمت محکمی بر سینه تحریم کنندگان و مخالفان و معارضان انتخابات» دانست. اظهار این جمله از جانب خامنه‌ای بیانگر این واقعیت است که پس از سالها فروخوردن این عقده حقارت که همان عدم مشروعیت باشد اینبار افت معنادار میزان مشارکت وی را بر آن داشت تا با صراحت جبهه بندی خود و بیت رهبری را اعلام کند که شامل مخالفان، منتقدان، و حتی بخشی از حامیان می‌باشد. این توهین به تحریم کنندگان نشان از آن دارد که خامنه‌ای سیلی محکمی از جانب اکثریت سیلی محکمی که تحریم کنندگان حماسه درست کردن هایش چیزی از اصل قضیه را تغییر نخواهد داد و مانند تمام مستبدان دیگر بجای آنکه تسلیم خواست اکثریت شود جبهه بندی خود را علنی کرده و تهدیدات خود را به رخ این بخش از جامعه میکشد. نگرانی خامنه‌ای در این اظهارات به حدی است که چنان از رئیسی تمجید میکند تا جایی که فراموش میکند که به مردم اعلام کرده‌اند که ایشان منتخب هستند نه منتصب. سخنان خامنه‌ای در مورد رئیسی بیشتر دفاع از او بود گویی خود را در برابر انتصابش مسئول میدانند که خود گویای انتصاب وی میباشد.

ناگفته نماند که ماهها قبل از این انتخابات مشخص بود که رئیسی، رئیس جمهور آینده ایران است. نه تنها این مقام بلکه این بده بستانها درون نظام فراتر از پست ریاست جمهوریست و در آینده‌ای نزدیک شاهد تغییراتی در دیگر منصبها نیز خواهیم بود. رژیم در این مرحله از زمامداری خویش به این نتیجه رسیده که اندک اختلافات ظاهری که بعضا در اداره کشور ولو ناچیز هم بود را فدای یکدست نمودن ساختار قدرت کند تا با خیال راحت به چپاول و سرکوب در داخل بپردازد و در چانه زنیهای دیپلماتیک منطقه‌ای و جهانی منسجم تر عمل کند. چرا که ماهیت این رژیم، نئیدئولوژیک بوده نه مردمی و دمکراتیک. به طور کلی در رابطه با سخنان خامنه‌ای میتوان چنین استنباط نمود که:

نخست اینکه کارزار تحریم تا حد زیادی موفق بوده و مشروعیت این نظام را هدف قرار داده و همین امر خامنه‌ای را شدیداً نگران و خشمگین کرده به حدی که اینبار مشمت محکم را به جای اینکه به سوی دشمنان خود خوانده‌ی آمریکا و اسرائیل روانه کنند سینه‌ی تحریم کنندگان انتخابات را هدف قرار داده‌اند. مفهوم این جهت گیری خامنه‌ای خیلی واضح است صدای مردم را شنیده و مانند همیشه در برابر آنان ایستادگی میکند آنهم به شیوه‌ی خود. به مانند تمام سالهای زمامداریش

راه سرکوب و خفقان را در پیش خواهد گرفت. برای انجام این سیاست مطمئناً افراد قابل اعتماد خود را در مناصب زیربط سرکوب قرار خواهد داد چرا که او خوب میداند که تحریم انتخابات فاز اول این موج مبارزه است و انتظار اعتراضات اقشار مردمی برای او دور از انتظار نیست و کابینه‌ی جدید باید طوری پیکربندی شود تا به شدت هرچه بیشتر با اعتراضات پیشبینی شده برخورد کند تا پایه‌های این نظام نامشروع از این بیشتر صدمه نبیند. از طرفی دیگر بالا بردن هزینه‌ی این انتخابات و حذف اندک منتقدان و حتی حامیان خود خامنه‌ای نشان از وخامت اوضاع درون نظام دارد. خامنه‌ای به زعم خود با انتصاب رئیسی که از یاران و نزدیکان وفادار به بیت رهبريست می‌خواهد بر انبوه مشکلات و بحرانهای پی در پی که گریبانگیر این نظام و جامعه‌ی ایران شده فایق آید. خیلی روشن و مبرهن است که کابینه‌ای که رئیسی در چنین شرایط و بکگراوند فکری وایدئولوژیکی که دارد در راس آن قرار گیرد، چه کسانی در مناصب دولتی قرار خواهند گرفت و اوضاع آشفته‌ی مملکت به چه سمت و سویی خواهد رفت.

این شرایط برای ملیت‌های ایران در دوران رئیسی به مراتب بدتر خواهد بود زیرا رئیسی خود یکی از جلاذانی است که در قتل و حذف مبارزان و سپردنشان به

شکنجه‌گاهها در رتبه‌ی نخست قرار دارد. بویژه ملت کرد که از همان ابتدای سرکار آمدن این رژیم به کلیت رژیم «نه» گفته خواستهای خود را در چارچوب این نظام عملی نمیبیند در این دوره از انتخابات نیز شرکت نکرد و هیچ انتظاری نه از رئیسی و نه از این رژیم در تمامیت خود دارد و مبارزات حق طلبانه‌ی خود را با عزمی راسختر ادامه میدهد. البته این رنگ عوض کردنهای خامنه‌ای و دیگر کاربدستان رژیم برای ملت کرد تازگی ندارد و جابجایی افراد در منصبهای این رژیم نیز تغییری در راستای بهبودی اوضاع مردم ایجاد نخواهد کرد.

در واقع تعریف و تمجیدهای خامنه‌ای از رئیسی و حماسه خواندن پایین ترین میزان مشارکت، کاملاً صحیح بود چرا که نمایشنامه را خود نوشته و خود اجرا کرده و رئیسی از جنس خودشان بوده و خواهد بود. پس اوضاع بر وفق مراد و طبق برنامه‌ی پیشبینی شده در جریان بوده و این برای آقا یک موهبت بشمار می آید. رئیسی بهترین گزینه برای او جهت پیشبردن برنامه‌ها و سیاستهای داخلی کشور و در واقع بهترین تدارکاتچی خواهد بود از این حیث این مثل در مورد اظهارات خامنه‌ای کاملاً» صدق میکند که:

«تو خود گویی و خود خندی، عجب مرد هنرمندی».

زنان پیشاهنگ مبارزه در کوردستان

